

رابطه کارآیی خانواده با کمال‌گرایی مثبت و منفی در
دانش‌آموزان شهرستان نوشهر

Relation of Family Efficiency with Positive and Negative
Perfectionism among Students in Nowshahr

O. Alizadeh Sahraei, M. A. ✉

Z. Khosravi, Ph.D.

M. A. Besharet, Ph.D.

ام‌هانی‌علیزاده صحرائی ✉

مدرس گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور نوشهر

دکتر زهره خسروی

دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه الزهرا

دکتر محمدعلی بشارت

استاد گروه روان‌شناسی دانشگاه تهران

Abstract

Since family environment have significant role in formation of Positive and Negative Perfectionism, the purpose of the present study was to examine the relation between family efficiency and Positive and Negative Perfectionism in students. Two-hundred and eighty female senior high school students have been, were selected through multiple cluster sampling method.

چکیده:

از آن‌جایی که محیط خانواده در شکل‌گیری کمال‌گرایی مثبت و منفی تأثیر به‌سزایی دارد، هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه کارآیی خانواده با کمال‌گرایی مثبت و منفی در دانش‌آموزان بود. ۲۸۰ دانش‌آموز دختر دبیرستانی از پایه دوم و سوم به روش تصادفی خوشه‌ای انتخاب شده و با تکمیل مقیاس سنجش خانواده و کمال‌گرایی مثبت و منفی در این پژوهش شرکت کردند. روش پژوهش از نوع توصیفی و همبستگی بود. نتایج نشان داد بین نمره

✉Correspornding author: Dept. of Psychology, Payam nour University, Noshahr, Mazandaran.
Tel:+98191-3233907
Fax:+98191-3239103
Email: o_Alizadeh@hotmail.com

✉ نویسنده مسئول: مازندران - نوشهر - دانشگاه پیام نور - گروه روان‌شناسی
تلفن: ۰۱۹۱-۳۲۳۳۹۰۷ - دورنما: ۰۱۹۱-۳۲۳۹۱۰۳
email: o_Alizadeh@hotmail.com: پست‌الکترونیکی:

They participated in the study and completed family assessment device and positive and negative perfectionism scale. The method of study was descriptive and correlational. Results showed positive significant correlation between total score of family efficiency and its three subscales (roles, problem solving, and affection express) with positive perfectionism. Results also indicated negative significant correlation between total score of family efficiency and two subscales (roles and affection express) with negative perfectionism. No significant correlation was found between roles and Negative Perfectionism.

The result of separate regression analyses for Positive and Negative Perfectionism, revealed that problem solving, and affection express for positive perfectionism and roles for negative perfectionism were the best predictors. Results of this study confirmed distinction between positive and negative Perfectionism and shows while positive Perfectionism develops in efficient environment, negative characteristics in family can be a context for Developing negative Perfectionism.

Keyword: Family Efficiency, Positive Perfectionism, Negative Perfectionism, Students.

کلی کارآیی خانواده و سه مؤلفه آن (نقش‌ها، حل مشکل و ابراز عواطف) با کمال‌گرایی مثبت، همبستگی مثبت معنادار وجود دارد. همچنین بین نمره کلی کارآیی خانواده و مؤلفه‌های آن (نقش‌ها و ابراز عواطف) با کمال‌گرایی منفی، رابطه منفی معنادار بدست آمد، به‌جز سازه حل مشکل که رابطه معناداری نشان نداد. نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام که به تفکیک برای کمال‌گرایی مثبت و منفی انجام شد، نشان داد دوسازه حل مشکل و ابراز عواطف برای کمال‌گرایی مثبت و نقش‌های خانوادگی برای کمال‌گرایی منفی، بهترین پیش‌بینی‌کننده می‌باشند. نتایج این پژوهش ضمن تأیید تمایز کمال‌گرایی مثبت و منفی نشان می‌دهد در حالی که کمال‌گرایی مثبت در محیطی کارا پرورش می‌یابد وجود ویژگی‌های منفی در خانواده می‌تواند زمینه‌ای برای بروز کمال‌گرایی منفی باشد.

کلیدواژه‌ها: کارآیی خانواده، کمال‌گرایی مثبت، کمال‌گرایی منفی، دانش‌آموزان

مقدمه

کمال‌گرایی^۱ یکی از ویژگی‌های شخصیتی است و نقش مهمی را در علت‌شناسی، استمرار و دوره بالینی آسیب‌شناسی‌های روانی بازی می‌کند (شافران، کوپر و فیبرن، ۲۰۰۲). اگرچه قسمت اعظم

پیشینه موجود در این زمینه بر کمال‌گرایی به‌عنوان عامل غیرانطباقی یا منفی متمرکز شده‌اند، با این وجود علاقه فزاینده‌ای در خصوص آزمودن کمال‌گرایی از هر دو جنبه مثبت و منفی^۲ وجود دارد. دلیل آن این است که کمال‌گرایی نه تنها به‌عنوان عامل منفی شناخته شده بلکه هم‌چنین به‌عنوان عاملی مثبت که می‌تواند در دستیابی به موفقیت کمک‌کننده باشد، مطرح است. اغلب مؤلفان در این زمینه کمال‌گرایی را دو نوع می‌دانند: کمال‌گرایی مثبت و منفی. اگرچه این دو نوع کمال‌گرایی با یکدیگر همبسته هستند و نباید به‌عنوان دو قطب مخالف در نظر گرفته شوند (بیلینگ و اسرائیلی، ۲۰۰۴). برای مثال هماچک (۱۹۷۸) اولین فردی بود که بین انواع کمال‌گرایی تمایز قائل شد. او معتقد بود دو نوع کمال‌گرایی وجود دارد: کمال‌گرایی بهنجار و کمال‌گرایی نابهنجار^۳. از دیدگاه هماچک (۱۹۷۸) کمال‌گرایی بهنجار از تلاش و رقابت برای برتری و کمال لذت می‌برد و در عین حال محدودیت‌های شخصی را به رسمیت می‌شناسد در حالی که کمال‌گرایی نابهنجار به دلیل انتظارات غیرواقع‌بینانه، هرگز از عملکرد خود خشنود نخواهد شد. تری‌شورت^۴، اوئنز^۵، اسلید^۶ و دیویی^۷ (۱۹۹۵ به نقل از بشارت، ۱۳۸۴) براساس تقسیم‌بندی بهنجار - نابهنجار هماچک از کمال‌گرایی، در چهارچوب یک مدل نظری، دو نوع کمال‌گرایی مثبت و منفی را متمایز کردند. کمال‌گرایی مثبت به آن دسته از شناخت‌ها و رفتارها گفته می‌شود که هدفشان کسب موفقیت‌ها و پیشرفت‌های سطح بالا به‌منظور دستیابی به پیامدهای مثبت است (اسلید و اوئنز، ۱۹۸۸؛ به نقل از ایجان، ۲۰۰۵) و کمال‌گرایی منفی به شناخت‌ها و رفتارهایی گفته می‌شود که هدفشان کسب موفقیت‌ها و پیشرفت‌های سطح بالا به‌منظور اجتناب یا فرار از پیامدهای منفی است (اسلید و اوئنز، ۱۹۹۸؛ به نقل از همان منبع). نتایج مطالعات صورت گرفته در خصوص کمال‌گرایی نشان می‌دهند، کمال‌گرایی بسته به مثبت و یا منفی بودن می‌تواند با رفتارهای سازگارانه یا ناسازگارانه در ارتباط باشد. برای مثال در حالی که کمال‌گرایی منفی با پیامدهای آسیب‌شناختی نظیر عزت‌نفس پایین (رایس، اشبی و اسلنی، ۱۹۹۸؛ فلت و همکاران، ۱۹۹۴؛ به نقل از رم، ۲۰۰۵؛ پرسور، رایس و اشبی، ۱۹۹۴)، باورهای غیرمنطقی (استامف و پارکر، ۲۰۰۰)، نشانگان افسردگی (فلت، هویت، گارشووتیز و مارتین^۸، ۱۹۹۷؛ به نقل از رم، ۲۰۰۵؛ کورتس و مالا^۹، ۱۹۹۸؛ به نقل از همان منبع)، مشکلات بین شخصی (بشارت، ۱۳۸۳؛ به نقل از بشارت، ۱۳۸۴؛ هیل و زرول و تورلینگتون^{۱۰}، ۱۹۹۷؛ به نقل از همان منبع) مرتبط است؛ کمال‌گرایی مثبت به‌خصوص خرده‌مقیاس‌های معیارهای شخصی بالا و سازمان‌دهی با تجارب سالم‌تری در ارتباطند. برای مثال، کمال‌گرایی خودمدار^{۱۱} با تعدادی ویژگی مثبت نظیر کوشش برای پیشرفت، عاطفه مثبت، عزت‌نفس بالا، خودکارآمدی و خودشکوفایی، خصوصیات بین‌فردی مثبت نظیر اعتماد به‌نفس، جرأت‌مندی و نگرش‌های اجتماعی نوع دوستانه مرتبط است (بلنکشتاین و دانکلی^{۱۲}، ۲۰۰۲؛ به نقل از ایجان، ۲۰۰۵؛ برنز و فدوا، ۲۰۰۵).

درخصوص علت‌شناسی کمال‌گرایی از زمانی که برای اولین بار این پدیده، شناسایی و مفهوم‌سازی شد، بحث‌های زیادی شده است. به‌طور کلی محققان سازه‌های چندی را در شکل‌گیری کمال‌گرایی مؤثر دانسته‌اند؛ یکی از این عوامل محیط خانواده و جو عاطفی حاکم در خانواده‌های افراد کمال‌گرای مثبت و منفی است که خود می‌تواند روی کارآیی خانواده این افراد اثرگذار باشد (بلت، ۱۹۹۵؛ هماچک، ۱۹۷۸؛ پاچ^{۱۳}، ۱۹۸۴؛ به‌نقل از فراست، لاهارت و روزنبلت، ۱۹۹۱؛ شافران و مانسل، ۲۰۰۱). کارکرد (کارآیی) خانواده در اصل اشاره به ویژگی‌های سیستمی خانواده دارد. به بیان دیگر عملکرد خانواده یعنی توانایی خانواده در هماهنگی یا انطباق با تغییرات ایجاد شده در طول حیات، حل کردن تعارض‌ها، همبستگی میان اعضا و موفقیت در الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز میان افراد و اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل نظام خانواده (پورتس و هاوول^{۱۴}، ۱۹۹۲؛ به‌نقل از کرامتی، مرادی و کاوه، ۱۳۸۴). با توجه به این‌که محیط خانواده، نخستین و بادوام‌ترین عامل اثرگذار در رشد شخصیت است و مهم‌ترین نقش را در چگونگی رفتار و خصایص کودکی و عصر جوانی دارد، از این‌رو ارزیابی نحوه عملکرد خانواده‌ها در راستای تعیین نحوه ارتباط و طرز برخورد افراد با یکدیگر، چگونگی تقسیم وظایف بین اعضا، قدرت برنامه‌ریزی برای انجام وظایف، تعیین نقش‌ها و مرزها برای اعضا و ایجاد مقررات به منظور ایجاد نظم در خانواده، قدرت ابداع و ابتکار خانواده در حل مشکلات و ابراز عواطف آنان نسبت به هم از اهمیت بالایی برخوردار است.

در این راستا رویکردهای تجربی مهم در ارزیابی خانواده‌ها عبارتند از: مدل خانواده بیوز^{۱۵}، مدل حلقوی^{۱۶}، مدل مک‌مسترز^{۱۷}، مدل فرآیند خانواده^{۱۸} و نظام ارزیابی خانواده دارلینگتون^{۱۹} (به‌نقل از زاده‌محمدی و ملک‌خسروی، ۱۳۸۵). تاکنون در خصوص بررسی رابطه کارآیی خانواده با کمال‌گرایی مثبت و منفی مطالعه‌ای انجام نشده است. تنها درخصوص ارتباط سبک‌های فرزندپروری با کمال‌گرایی داده‌هایی در پیشینه موجود است. برای مثال در خصوص بررسی رابطه کمال‌گرایی منفی داده‌های تجربی حاکی از آنند که کمال‌گرایی در تعامل با والدینی که خودکمال‌گرا و قدرت‌طلب هستند، ریشه دارد (فراست، لاهارت، روزنبلت، ۱۹۹۱).

نتایج مطالعه رایس، اشبی و پرسور (۱۹۹۶) نشان داد، کمال‌گرایان نابهنجار در قیاس با کمال‌گرایان بهنجار، والدین خود را به‌عنوان افرادی کمتر تشویق‌کننده، بیشتر سخت‌گیر و انتقادگر ادراک می‌کنند و نتایج این محققان با یافته‌های فراست، لاهارت و روزنبلت (۱۹۹۱) همخوانی دارد. در مطالعه آن‌ها دختران کمال‌گرا، مادران خود را به‌عنوان افرادی سخت‌گیر و اقتدارطلب ادراک می‌کردند. یافته‌های دو مطالعه دیگر هم‌چنین پیشنهاد می‌کند که کمال‌گرایی منفی ممکن است با شیوه فرزندپروری استبدادی مرتبط باشد. در یک مطالعه، والدینی که اعتقاد به کامل و بی‌عیب و نقص عمل کردن فرزندان داشتند، به شیوه فرزندپروری استبدادی^{۲۰} گرایش نشان دادند و به نیاز به پیروی

تأکید می‌نمودند (روبین، کوپکه و موی، ۱۹۹۰). در حمایت از این یافته‌ها فلت، هویت و سینگر (۱۹۹۵) متوجه شدند کمال‌گرایی اجتماع‌مدار^{۲۱} در زنان با سبک تربیتی اقتدارگرا^{۲۲} ارتباط دارد. کاوامورا، فراست و هارماتز (۲۰۰۲) ارتباط بین کمال‌گرایی مثبت و منفی و سبک‌های فرزندپروری را در نمونه‌ای ۳۳۷ نفری در دانشجویان دوره کارشناسی آزمودند، نتایج مطالعه نشان‌دهنده ارتباط بین سبک تربیتی سخت‌گیرانه و استبدادی با کمال‌گرایی منفی در زنان و مردان بود. اگرچه بین این سبک با کمال‌گرایی مثبت در دو جنس رابطه‌ای مشاهده نشد.

با توجه به نبود مطالعه‌ای در خصوص کارکرد خانواده، پژوهش حاضر به بررسی ارتباط کارآیی خانواده با کمال‌گرایی مثبت و منفی با استفاده از مدل مک‌مستر پرداخته است. این مدل، مدلی سیستمی با جهت‌گیری بالینی از کارکرد خانواده است که خصوصیات رفتاری و ساختاری گروه خانواده و الگوهای تبادلی مهم موجود میان اعضای خانواده را معین می‌کند (کیت‌نر^{۲۳} و همکاران، ۱۹۹۶؛ به‌نقل از زاده‌محمدی و ملک‌خسروی، ۱۳۸۵). هم‌چنین در مطالعه حاضر برای بررسی کمال‌گرایی مثبت و منفی از فرم فارسی پرسشنامه کمال‌گرایی مثبت و منفی‌تری شورت و همکاران (۱۹۹۵)، به‌نقل از هسه و همکاران، (۲۰۰۲) استفاده شده است. زیرا پرسشنامه‌هایی نظیر ابعاد کمال‌گرایی هویت و فلت (۱۹۹۱ب) و یا ابعاد کمال‌گرایی فراست و همکاران (۱۹۹۰) اگرچه بسیار در تحقیقات پیشین مورد استفاده قرار گرفته‌اند اما بیشتر از آن‌که با هدف تمایز گذاشتن بین کمال‌گرایی مثبت و منفی طراحی شده باشند به سنجش جنبه‌های متعددی از کمال‌گرایی می‌پردازند. نمونه به‌کار رفته در این تحقیق نیز از دانش‌آموزان دوره دبیرستان است زیرا در حالی‌که مطالعات زیادی درباره کمال‌گرایی در نمونه‌های دانشجویی انجام شده، دانش‌اندکی در مورد کمال‌گرایی در دانش‌آموزان وجود دارد. بنابراین با توجه به پژوهش‌هایی که ارتباط کمال‌گرایی مثبت و منفی را با سبک‌های تربیتی اقتدارگرا و استبدادی نشان می‌دهد، فرض بر آن است که وجود این سبک‌های تربیتی در کنار سایر عوامل مؤثر در شکل‌گیری شخصیت کمال‌گرا باعث تفاوت در عملکرد خانواده‌ها بر حسب کمال‌گرایی مثبت و منفی بشود. در این راستا هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه کارآیی خانواده و ویژگی‌های آن در کمال‌گرایی مثبت و منفی دانش‌آموزان و میزان سهم عوامل در پیش‌بینی آن است.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش‌آموزان دختر دبیرستانی سال دوم و سوم تشکیل می‌داد که در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵ در دبیرستان‌های دولتی و یا غیرانتفاعی دخترانه شهرستان نوشهر مشغول به تحصیل بودند. ۲۸۰ دانش‌آموز دختر دبیرستانی از ۶ دبیرستان موجود (۳ دبیرستان

دولتی و ۳ دبیرستان غیرانتفاعی) به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. پس از تشریح اهداف پژوهش و جلب مشارکت و همکاری آزمودنی‌ها، مقیاس سنجش خانواده و پرسشنامه کمال‌گرایی مثبت و منفی در مورد آن‌ها اجرا شد. میانگین سنی کل آزمودنی‌ها ۱۶/۳۱ سال (دامنه = ۱۸-۱۵، ۰/۷۵ = انحراف معیار) بود.

ابزارهای پژوهش

مقیاس سنجش خانواده: در تحقیق حاضر از مقیاس سنجش خانواده مک‌مستر^{۲۴} - نسخه ایرانی (FAD-I) نجاریان (۱۳۷۴) به‌نقل از دیباج‌نیا، (۱۳۸۳) استفاده شده است. نسخه اصلی این ابزار خانواده‌آزما توسط گروه مک‌مستر (اپشتاین^{۲۵} و همکاران، ۱۹۸۳؛ به‌نقل از همان منبع) به منظور ارزیابی خصوصیات ساختاری، عملکردی و تعاملی خانواده به کار می‌رود. فرم فارسی این پرسشنامه، ۴۵ سؤال است که در یک مقیاس ۴ درجه‌ای (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) کارآیی خانواده را می‌سنجد. در ایران اولین کوشش علمی به منظور هنجاریابی و میزان‌سازی ابزاری این آزمون، توسط نجاریان (۱۳۷۴) به‌نقل از نجفی، احدی و دلاور، (۱۳۸۵) بر روی نمونه‌ای با حجم ۵۱۰ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران انجام شد. نجاریان ضمن تأیید اعتبار نسخه فارسی این آزمون، اعتبار کل آزمون را ۰/۹۳ بدست آورد که در سطح $P < 0/01$ معنادار است. هم‌چنین کرامتی، مرادی و کاوه (۱۳۸۴)، پایایی این آزمون را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۴ بدست آوردند. نجاریان (به‌نقل از کرامتی، مرادی و کاوه، ۱۳۸۴) با استفاده از روش تحلیل عوامل توانست ۳ سازه یا عامل نقش‌های خانوادگی، حل مشکل و ابراز عواطف را در این آزمون شناسایی کند.

طراحان این خانواده‌آزما، یک بعد دیگر را به ابعاد مذکور اضافه کرده‌اند و آن بعد کارایی عمومی است. بعد کارایی عمومی دربرگیرنده سه بعد دیگر است، بدین معنا که میزان موفقیت یا عدم موفقیت اعضای خانواده را در سه بعد مذکور اندازه می‌گیرد.

در پژوهش حاضر پایایی کل آزمون و سه خرده مقیاس آن (نقش‌ها، حل مسئله، ابراز عواطف) با روش آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۹۳، ۰/۹۲، ۰/۷۵، ۰/۷۷ بدست آمد که در سطح $P < 0/01$ معنادار است. در تحقیق حاضر نمره‌گذاری برای سؤالاتی که توصیف‌کننده عملکرد سالم هستند، به‌صورت کاملاً موافقم (۴)، موافقم (۳)، مخالفم (۲)، کاملاً مخالفم (۱)، انجام شده است. بنابراین نمره بالا در این مقیاس بیانگر کارآمدی بالاتر است.

مقیاس کمال‌گرایی مثبت و منفی (PANPS)^{۲۶}: مقیاس کمال‌گرایی مثبت و منفی (تری - شورت و همکاران، ۱۹۹۵؛ به‌نقل از ایجان، ۲۰۰۵)، یک آزمون ۴۰ سؤالی است که ۲۰ ماده آن کمال‌گرایی مثبت و ۲۰ ماده دیگر آن کمال‌گرایی منفی را می‌سنجد. پرسش‌ها در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت، کمال‌گرایی آزمودنی‌ها را از نمره یک تا نمره پنج در دو زمینه مثبت و منفی

می‌سنجند. حداقل نمره آزمودنی‌ها در هر یک از مقیاس‌های آزمون ۲۰ و حداکثر آن ۱۰۰ خواهد بود. در فرم فارسی این پرسشنامه (بشارت، ۱۳۸۲؛ به‌نقل از بشارت، ۱۳۸۴) آلفای کرونباخ پرسش‌های هر یک از زیرمقیاس‌ها در یک نمونه ۲۱۲ نفری از دانشجویان به ترتیب ۰/۸۷ و ۰/۸۷ برای کل آزمودنی‌ها؛ ۰/۹۱ و ۰/۸۸ برای دانشجویان دختر و ۰/۸۹ و ۰/۸۶ برای دانشجویان پسر برآورد شد که نشان‌دهنده همسانی درونی بالای مقیاس می‌باشد. ضرایب همبستگی بین نمره‌های ۹۰ نفر از آزمودنی‌ها در دو نوبت با فاصله چهار هفته برای کل آزمودنی‌ها $r=0/86$ ، برای آزمودنی‌های دختر $r=0/84$ و برای آزمودنی‌های پسر $r=0/87$ محاسبه شد که نشانه پایایی بازآزمایی رضایت‌بخش مقیاس می‌باشد.

اعتبار مقیاس کمال‌گرایی مثبت و منفی از طریق محاسبه ضریب همبستگی بین زیرمقیاس‌های این آزمون با زیرمقیاس‌های پرسشنامه سلامت عمومی^{۲۷} (گلدبرگ^{۲۸}، ۱۹۷۲؛ به‌نقل از بشارت، ۱۳۸۴) و مقیاس عزت‌نفس کوپراسمیت^{۲۹} (کوپراسمیت، ۱۹۶۷؛ به‌نقل از همان منبع) و با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی آزمون بررسی شد. ضرایب همبستگی بین زیرمقیاس‌های کمال‌گرایی مثبت و منفی به ترتیب با نشانه‌های بدنی $-0/32$ و $0/33$ ؛ اضطراب و بی‌خوابی $-0/41$ و $0/39$ ، نارساکنش‌وری اجتماعی $-0/54$ و $0/57$ ؛ افسردگی $-0/58$ و $0/63$ و با نمره کل پرسشنامه سلامت عمومی $-0/46$ و $0/48$ محاسبه شد. ضرایب همبستگی بین زیرمقیاس‌های کمال‌گرایی مثبت و منفی به ترتیب با عزت‌نفس $0/44$ و $-0/52$ بدست آمد (بشارت، ۱۳۸۴).

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

یافته‌های این پژوهش در دو بخش یافته‌های توصیفی و یافته‌های اصلی ارائه می‌شوند: یافته‌های توصیفی این پژوهش میانگین، انحراف معیار و تعداد را در مقیاس سنجش خانواده و کمال‌گرایی مثبت و منفی گزارش می‌دهند. این یافته‌ها در جدول ۱ نشان داده شده‌اند:

جدول ۱: یافته‌های توصیفی مربوط به مقیاس‌ها

شاخص مقیاس	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین	بیشترین	تعداد
کارآیی خانواده	۸۹/۷۶	۱۸/۰۵	۵۳	۱۵۵	۲۸۰
نقش‌های خانوادگی	۳۹/۶۳	۸/۹۵	۲۰	۷۵	۲۸۰
حل مشکل	۳۲/۳۰	۷/۵۱	۱۷	۶۲	۲۸۰
ابراز عواطف	۱۷/۶۷	۴/۵۱	۸	۳۲	۲۸۰
کمال‌گرایی مثبت	۸۳/۱۹	۷/۵۸	۵۶	۹۹	۲۸۰
کمال‌گرایی منفی	۶۶/۹۶	۹/۷۴	۴۲	۹۰	۲۸۰

یافته‌های مربوط به فرضیه‌ها

یافته‌های مربوط به فرضیه‌های اول تا چهارم به صورت ضرایب همبستگی پیرسون ساده در جدول ۲ نشان داده شده است. همان‌طور که در جدول ۲، ملاحظه می‌شود بین نمره کلی کارآیی خانواده و کمال‌گرایی مثبت همبستگی مثبت معنادار ($r=0/40, P<0/01$) وجود دارد. با توجه به این یافته، فرضیه اول تأیید می‌شود.

با توجه به نتایج مندرج در جدول ۲، همبستگی مثبت معنادار بین سازه‌های نقش‌های خانوادگی با کمال‌گرایی مثبت ($r=0/28, P<0/01$)، حل مشکل با کمال‌گرایی مثبت ($r=0/42, P<0/01$) و ابراز عواطف با کمال‌گرایی مثبت ($r=0/34, P<0/01$) وجود دارد. بنابراین با توجه به این نتایج، فرضیه دوم تأیید می‌شود.

هم‌چنین همان‌طور که در جدول ۲ آمده است نتایج همبستگی پیرسون بین نمره کلی کارآیی خانواده و کمال‌گرایی منفی حاکی از همبستگی منفی معنادار ($r=-0/21, P<0/01$) است. بدین ترتیب فرضیه سوم تأیید می‌شود.

در خصوص فرضیه چهارم، با توجه به جدول ۲، تنها بین دو سازه نقش‌های خانوادگی و کمال‌گرایی منفی ($r=-0/24, P<0/01$) و ابراز عواطف و کمال‌گرایی منفی ($r=-0/19, P<0/01$) همبستگی منفی معنادار بدست آمده و بین سازه حل مشکل و کمال‌گرایی منفی رابطه‌ای حاصل نشده است. با توجه به یافته‌های فوق فرضیه چهارم در خصوص رابطه منفی بین مؤلفه‌های کارآیی خانواده با کمال‌گرایی منفی فقط در مورد دو سازه تأیید می‌شود.

جدول ۲: ضرایب همبستگی پیرسون بین مقیاس سنجش خانواده و

سازه‌های آن با مقیاس کمال‌گرایی مثبت و منفی

ابراز عواطف			حل مشکل			نقش‌های خانوادگی			کارآیی خانواده			مقیاس شاخص
N	P	r	N	P	r	N	P	r	N	P	r	
۲۸۰	<0/01	0/34**	۲۸۰	<0/01	0/42**	۲۸۰	<0/01	0/28**	۲۸۰	<0/01	0/40**	کمال‌گرایی مثبت
۲۸۰	<0/01	-0/19**	۲۸۰	<0/01	0/09	۲۸۰	<0/01	-0/24**	۲۸۰	<0/01	-0/21**	کمال‌گرایی منفی

**همبستگی در سطح 0/01 معنادار است

نتایج جدول ۳ و ۴ نشان می‌دهند که بهترین متغیرهای پیش‌بینی‌کننده کمال‌گرایی مثبت، حل مشکل و ابراز عواطف هستند و متغیر نقش‌ها از معادله رگرسیون حذف شده است. بر اساس این نتایج، F مشاهده شده معنادار است ($P<0/001$) و ۱۹ درصد واریانس مربوط به کمال‌گرایی مثبت به وسیله متغیرهای حل مشکل و ابراز عواطف تعیین می‌شوند ($R^2=0/19$).

ضرایب رگرسیون هر یک از متغیرهای پیش‌بین نشان می‌دهند که حل مشکل و ابراز عواطف می‌توانند واریانس کمال‌گرایی مثبت را به‌طور معناداری پیش‌بینی کنند. ضرایب تأثیر حل مشکل ($B=0/42$) و ابراز عواطف ($B=0/23$) با توجه به آمارهای T نشان می‌دهند که حل مشکل و ابراز عواطف می‌توانند با ۹۹ درصد اطمینان تغییرات مربوط به کمال‌گرایی مثبت را پیش‌بینی کنند یعنی افزایش سطوح حل مشکل و ابراز عواطف، افزایش کمال‌گرایی مثبت را به دنبال خواهند داشت. البته از بین این دو متغیر همان‌طور که بیان شد سهم بیشتر به حل مشکل با $R^2=0/18$ تعلق دارد و ابراز عواطف فقط باعث افزایش ۰/۰۱ درصدی در واریانس می‌شود، متغیر نقش‌ها نیز از معادله رگرسیون حذف شده است. متغیرهای پیش‌بینی که به ترتیب وارد معادله شده‌اند عبارتند از مدل ۱. حل مشکل، مدل ۲. حل مشکل و ابراز عواطف.

جدول ۳: خلاصه مدل رگرسیون گام به گام و تحلیل واریانس نقش‌های خانوادگی،

حل مشکل و ابراز عواطف بر کمال‌گرایی مثبت

مدل	متغیر	شاخص	SS	DF	MS	F	P	R	R2	SE
۱	حل مشکل	رگرسیون	۲۸۸۲/۸۲	۱	۲۸۸۲/۸۲	۶۰/۷۸	۰/۰۰۱	۰/۴۲	۰/۱۸	۶/۸۸
		باقی‌مانده	۱۳۱۸۶/۱۵	۲۷۸	۴۷/۴۳					
۲	حل مشکل و ابراز عواطف	رگرسیون	۳۰۸۳/۷۹	۲	۱۵۴۱/۹۰	۳۲/۸۹	۰/۰۰۱	۰/۴۳	۰/۱۹	۶/۸۴
		باقی‌مانده	۱۲۹۸۵/۱۷	۲۷۷	۴۶/۸۸					

جدول ۴: خلاصه مشخصه‌های آماری رگرسیون گام به گام نقش‌های خانوادگی،

حل مشکل و ابراز عواطف بر کمال‌گرایی مثبت

مدل	متغیر	B	Beta	t	P
۱	حل مشکل	۰/۴۲	۰/۴۲	۷/۷۹	۰/۰۰۱
	حل مشکل	۰/۳۴	۰/۳۳	۴/۹۶	۰/۰۰۱
۲	ابراز عواطف	۰/۲۳	۰/۱۴	۲/۰۷	۰/۰۳۹

همان‌طور که در جدول شماره ۵ آمده نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان می‌دهد، در مورد کمال‌گرایی منفی بهترین متغیر پیش‌بینی‌کننده نقش‌های خانوادگی است و دو متغیر حل مشکل و ابراز عواطف از معادله رگرسیون حذف شده‌اند. در مورد متغیر نقش‌های خانوادگی میزان F مشاهده شده معنادار است ($P<0/001$) و ۶ درصد واریانس کمال‌گرایی منفی توسط این متغیر پیش‌بینی می‌شود ($R^2=0/06$). ضریب رگرسیون نقش‌های خانوادگی به‌عنوان متغیر پیش‌بین نشان می‌دهد

که این متغیر قادر است واریانس کمال‌گرایی منفی را به شکل معنادار پیش‌بینی کند. ضریب تأثیر متغیر نقش‌های خانوادگی ($B = -0.26$) با توجه به آماره T نشان می‌دهد که سازه نقش‌های خانوادگی با اطمینان ۹۹٪ تغییر کمال‌گرایی منفی را پیش‌بینی می‌کند. یعنی افزایش کارآیی خانواده در نقش‌های خانوادگی، موجب کاهش سطح کمال‌گرایی منفی می‌شود.

جدول ۵: خلاصه مدل رگرسیون گام به گام و تحلیل واریانس نقش‌های خانوادگی،

حل مشکل و ابراز عواطف بر کمال‌گرایی منفی

مدل	متغیر	شاخص	SS	DF	MS	F	P	R	R2	SE
۱	نقش‌های خانوادگی	رگرسیون	۱۵۷۷/۶۴	۱	۱۵۷۷/۶۴	۱۷/۶۱	۰/۰۰۰	۰/۲۵	۰/۰۶	۹/۴۶
	باقی‌مانده		۲۴۹۰۴/۰۳	۲۷۸	۸۹/۵۸					

جدول ۶: خلاصه مشخصه‌های آماری رگرسیون گام به گام نقش‌های خانوادگی،

حل مشکل و ابراز عواطف بر کمال‌گرایی منفی

شاخص متغیر	B	SEB	Beta	t	P
نقش‌های خانوادگی	-۰/۲۶	۰/۰۶	-۰/۲۴	-۴/۱۹	۰/۰۰۰

بحث

نتایج این پژوهش که در نوع خود از نظر بررسی رابطه کارآیی خانواده (با استفاده از مدل مک‌مستر) با کمال‌گرایی مثبت و منفی، اکتشافی محسوب می‌شود، نشان داد که کارآیی خانواده و سازه‌های آن همبستگی مثبت معنادار با کمال‌گرایی مثبت دارند. تحلیل آماری داده‌ها نشان داد که این همبستگی‌ها بدان معنی است که افزایش سطح کارآیی خانواده با سطح کمال‌گرایی مثبت همراه است. همچنین افزایش سطح کارآیی خانواده در سه سازه نقش‌های خانوادگی، حل مشکل و ابراز عواطف نیز با افزایش کمال‌گرایی مثبت همراه است. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام هم نشان داد که از بین سازه‌های نقش‌های خانوادگی، حل مشکل و ابراز عواطف، سازه حل مشکل و ابراز عواطف بهترین پیش‌بینی‌کننده کمال‌گرایی مثبت هستند. یک تبیین احتمالی برای این یافته می‌تواند وجود سبک تربیتی اقتدارگرا در خانواده کمال‌گرایان مثبت باشد.

نتایج داده‌های تجربی در خصوص سبک فرزندپروری موجود در خانواده‌های افراد با کمال‌گرایی مثبت نشان می‌دهد که بین کمال‌گرایی مثبت و سبک فرزندپذیری اقتدارگرا رابطه وجود دارد

(کاوامورا، فراست، هارماتز، ۲۰۰۲؛ فلت، هویت، سینگر، ۱۹۹۵). وجود چنین سبکی خود می‌تواند کارآیی خانواده را تحت‌الشعاع قرار دهد. در خانواده‌ای با سبک اقتدارگرا، والدین می‌کوشند فعالیت‌های کودک را در مسیری منطقی و واقعی هدایت کنند. در چنین خانواده‌ای فرزند به استقلال و آزادی فکر تشویق می‌شود در حالی که نوعی محدودیت و کنترل از طرف والدین وجود دارد و گرمی و صمیمیت و محبت نسبت به کودک در آن در سطح بالایی است. در چنین خانواده‌ای تقسیم کار وجود دارد، به طوری که هر یک از اعضا مسئولیتی را به عهده می‌گیرند و در تصمیم‌گیری‌ها و تقسیم درآمدها براساس مشورت و پیروی از مبنای عقلی رفتار می‌شود (بامیرند^{۳۰}، ۱۹۷۱؛ به نقل از عریضی، ۱۳۸۱).

هم‌چنین تأیید شده که روابط مثبت میان والدین و فرزندان در این محیط خانوادگی منجر به رفتارهای مناسب هنگام مواجهه با سختی‌ها و دشواری‌ها خواهد شد (گریبل^{۳۱}، ۱۹۹۳؛ به نقل از همان منبع).

در پرتو چنین جوی در محیط خانواده افراد کمال‌گرای مثبت، احتمال ایفای نقش درست، حل مشکل و ابراز عواطف و در مجموع کارآیی بهتر در خانواده افزایش می‌یابد. وجود این فضا هم‌چنین می‌تواند به شکل‌گیری ویژگی‌های شخصیتی و انگیزشی کمال‌گرایی مثبت نظیر توانمندی برای واقع‌بینی در دو زمینه محدودیت‌ها و امکانات شخصی (هماچک، ۱۹۷۸)، مثبت‌نگری و توجه به موفقیت‌ها (اسلید و اوئنز، ۱۹۸۸؛ به نقل از بشارت، ۱۳۸۴) کمک کند.

نتایج پژوهش نشان داد، بین کارآیی خانواده و دو سازه نقش‌های خانوادگی و ابراز عواطف با کمال‌گرایی منفی، همبستگی منفی معنادار وجود دارد. بین سازه حل مشکل و کمال‌گرایی منفی هم رابطه معنادار بدست نیامد. این همبستگی بدان معناست که با کاهش نمره کلی کارآیی خانواده، نقش‌های خانوادگی و ابراز عواطف، سطح کمال‌گرایی منفی افزایش می‌یابد. نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام نشان داد که از بین سه سازه نقش‌های خانوادگی، حل مشکل و ابراز عواطف، نقش‌های خانوادگی بهترین پیش‌بینی‌کننده کمال‌گرایی منفی می‌باشند. این یافته پژوهشی را می‌توان با در نظر گرفتن سبک تربیتی حاکم بر فضای خانواده افراد با کمال‌گرایی منفی تحلیل کرد.

نتایج مطالعات پیشین نشان می‌دهند، سبک تربیتی که والدین افراد با کمال‌گرایی منفی به کار می‌برند، از نوع استبدادی است. (فراست، لاهارت و روزنبلت، ۱۹۹۱؛ رایس، اشبی و پرسور، ۱۹۹۶؛ روبین، کوپکه و موی، ۱۹۹۰؛ فلت، هویت و سینگر، ۱۹۹۵؛ کاوامورا، فراست و هارماتز، ۲۰۰۲). در خانواده‌های مستبد بر قدرت والدین بیش از اندازه تأکید می‌شود. والدین مستبد می‌کوشند تا رفتارها و نگرش‌های فرزندان خود را در مطابقت با مجموعه استانداردهای تدوین شده از طرف قدرت‌های بالا شکل‌دهی، کنترل و ارزیابی کنند. آن‌ها اطاعت را تنها راه برای جلوگیری از تعارض هنگام اختلاف عقاید و رفتارهای کودک با تفکرات والدین می‌دانند و معتقدند که کودک باید جایگاه والدین

را درک نموده و به آن‌ها احترام بگذارد. در چنین خانواده‌ای، تصمیم‌گیرنده و تعیین‌کننده وظایف دیگر اعضای خانواده فرد مستبد است و چندان به امیال و خواسته‌های کودک توجه نمی‌شود.

بنابراین همان‌طور که پیداست در چنین خانواده‌ای، در تقسیم نقش‌های خانوادگی به توافق تمام اعضای خانواده توجهی نمی‌شود و این مسئله به شکل یک‌طرفه توسط فرد مستبد تعیین می‌شود. شاید دلیل احتمال همبستگی منفی بین ایفای نقش و کمال منفی هم همین تشابه باشد.

هم‌چنین بین حل مشکل و کمال‌گرایی منفی رابطه معناداری حاصل نشد. یکی از دلایل احتمالی می‌تواند نوع سؤالات خرده مقیاس حل مشکل باشد. شاید مفهوم قدرت حل مشکل به خوبی از طریق سؤالات سنجیده نشد، به بیان دیگر تعداد سؤالاتی که مستقیماً به سنجش حل مشکل می‌پردازند اندک است. هم‌چنین واضح است که عوامل دیگری به غیر از ساختار خانواده و سبک‌های فرزندپروری، می‌تواند بر ایفای نقش درست، حل مشکل و ابراز عواطف و در مجموع کارآیی بهتر خانواده، اثرگذار باشد (مانند نحوه آموزش روش‌های حل مسئله و تصمیم‌گیری در مواقع بحرانی از طریق والدین به فرزندان، توانایی ضعیف والدین در جستجوی راه‌های مناسب حل مشکلات موجود در خانواده و عواملی از قبیل فرهنگ و ابعاد خصیتی افراد...).

تبیین احتمالی در خصوص رابطه منفی بین ابراز عواطف و کمال‌گرایی منفی را نیز می‌توان این‌گونه بیان کرد که در خانواده‌هایی با سبک والدینی استبدادی تعاملات کلامی میان والدین و فرزندان تشویق نمی‌شود و والدین بر حرف‌شنوی کودک تأکید دارند. کودکی که در چنین محیطی پرورش می‌یابد از ثبات عاطفی کمی برخوردار است و برای حقوق دیگران احترام قائل نمی‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد وجود چنین خصیصه‌هایی باعث کاهش حس همدردی و ابراز عاطفی در فرد شده به‌طوری که فرد برای آگاهی از احساسات سایر اعضای خانواده اهمیت چندان قائل نمی‌شود. مجموعه این ویژگی‌ها می‌تواند موجب کاهش کارآیی خانواده گردد.

روابط بدست آمده از این پژوهش مبنی بر بالاتر بودن کمال‌گرایی مثبت با افزایش سطح کارآیی خانواده و افزایش کمال‌گرایی منفی با کاهش سطح کارآیی خانواده، به متخصصان و مشاوران خانواده کمک می‌کند تا برنامه‌هایی برای خانواده‌های افرادی با کمال‌گرایی منفی ارائه دهند و در خصوص عوامل مؤثر در محیط خانواده که در شکل‌گیری شخصیت کمال‌گرای منفی اثرگذار است، اطلاع‌رسانی کنند. با توجه به خسارات زیادی که وجود خصیصه کمال‌گرایی منفی در دوره‌های مختلف زندگی به‌خصوص تحصیل دانش‌آموزان بر جا می‌گذارد، انجام چنین آموزش‌هایی می‌تواند از هدر رفتن وقت و انرژی نیروهای انسانی جلوگیری کرده و آنان را به سوی داشتن انگیزه‌های هر چه مثبت‌تر برای انجام امور سوق دهد.

یادداشت‌ها

1. Perfectionism
2. Positive & Negative perfectionism
3. Normal & Neurotic Perfectionism
4. Terry -Shot
5. Owens
6. Slade
7. Dewey
8. Garshowitz & Martin
9. Kortess & Mala
10. Hill, Zrull, Torlington
11. Self-oriented perfectionism
12. Blankstein & Dunkley
13. Patch
14. Portes & Hovel
15. Ircumflex model
16. Beavers Family System
17. MC Master Model
18. Family process model
19. Darlington family assessment system
20. Authoritarian
21. Socially- prescribed perfectionism
22. Authoritative
23. Keitner
24. MC Master Family Assessment Device
25. Epstein
26. Positive and Negative perfectionism scale
27. General Health Questionnaire
28. Goldberg
29. Coopersmith Self- Esteem Inventory
30. Baumrind
31. Gribble

منابع

- بشارت، م. ع. (۱۳۸۴). بررسی رابطه کمال‌گرایی مثبت و منفی و مکانیسم‌های دفاعی. *پژوهش‌های روان‌شناختی*، ۸ (۱-۲)، ۷-۲۱.
- دیباچ، پ. (۱۳۸۳). بررسی رابطه کارآیی خانواده و خودپنداره در دانشجویان دانشکده توان‌بخشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی طی سال ۱۳۸۱. *پژوهنده (مجله پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)*، ۹ (۴)، ۲۴۰-۲۷۷.
- زاده‌محمدی، ع. و ملک‌خسروی، غ. (۱۳۸۵). بررسی مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی و اعتباریابی مقیاس سنجش کارکرد خانواده. *خانواده پژوهی*، ۲ (۵)، ۶۹-۸۹.
- عریضی، ف. (۱۳۸۱). *خانواده و بهداشت روانی* (چاپ اول). تهران: انتشارات آوای نور.
- کرامتی، ه.، مرادی، ع. ر. و کاوه، م. (۱۳۸۴). بررسی و مقایسه کارکرد خانواده و سیمای روان‌شناختی فرزندان شاهد. *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۴ (۱۱)، ۵۶-۷۵.
- نجفی، م.، احدی، ح. و دلاور، ع. (۱۳۸۵). بررسی رابطه کارآیی خانواده و دینداری با بحران هویت. *دانشور (دو ماهانه علمی - پژوهشی دانشگاه شاهد)*، ۱۳ (۱۶)، ۱۷-۲۶.

- Bieling, P. J., Israeli, A. I., & Antony, M. M. (2004). Is perfectionism good, bad or both? Examining models of the perfectionism construct. *Personality and Individual Differences*, 36, 1373-1385.
- Blatt, S. J. (1995). The destructiveness of perfectionism: Implications for the treatment of depression. *American Psychologist*, 50, 1003 -1020.
- Burns, L. R., & Fedewa, B. A. (2005). Cognitive styles: Links with perfectionistic thinking. *Personality and Individual Differences*, 38, 103 -113.
- Egan, S. (2005). *An investigation of positive and negative perfectionism*. Unpublished master's thesis, Curtin University of technology human research, Australia [On-Line]. Available: <http://espace>.

- library.curtin.edu.au/R?func=dbin_jump_full&object_id=1655
- Flett, G. L., Hewitt, P. L., & Singer, A. (1995). Perfectionism and parental authority styles. *Individual Psychology, 51*, 50 -60.
- Frost, R. o, lahart, C.M., & Rosenblate, R. (1991). The development of perfectionism: A study of daughters and their parents. *Cognitive therapy and research, 15*, 469 -489.
- Frost, R. O., Marten, P. A., Lahart, C., & Rosenblate, R. (1990). The dimensions of perfectionism. *Cognitive Therapy and Research, 14*, 444 – 468.
- Hamachek, D. E. (1978). Psychodynamics of normal and neurotic perfectionism. *Journal of human behaviors, 15*, 27-33 .
- Hasse, A. M., Prapavessis, H., & Owens, R. G. (2002). Perfectionism, social physique anxiety and disordered eating: A comparison of male and female athletes. *Psychology of Sport and Exercise, 3*, 209 -222.
- Hewitt, P. L., & Flett, G. L. (1991b). Dimensions of perfectionism in unipolar depression. *Journal of Abnormal Psychology, 100*, 98 -101.
- Kawamura, K.Y., Frost, R. O., & Harmatz, M. G. (2002). The relationship of perceived parenting styles to perfectionism. *Personality and Individual Differences, 32*, 317 – 327.
- Preusser, K. J., Rice, K. G., & Ashby, G. S. (1994). The role of self-esteem in mediating the perfectionism depression connection. *Journal of College Student Development, 35*, 88 -93.
- Ram, A. (2005). *The relationship of positive and negative perfectionism to academic achievement, achievement motivation, and well-being in tertiary students*. Unpublished master's thesis, University of Canterbury. U.K. [On-Line]. Available: http://library.canterbury.ac.nz/thesis/etheses_copyright.shtml.
- Rice, K. G., Ashby, J. S., & Preusser, K. J. (1996). Perfectionism, relationships with parents, and self-esteem. *Individual Psychology, 52*, 247 -260.
- Rice, K. G., Ashby, J. S., & Slany, R. B. (1998). Self-esteem as a mediator between perfectionism and depression: A structural equation analysis. *Journal of Counseling Psychology, 45*, 304 -314.
- Robine, A. L., Kopeke, T., & moye, A. (1990). Multidimensional assessment of parent adolescent relations. *Psychological Assessment : A Journal of Consulting and Clinical Psychology , 2*, 451-459.
- Shafran, R., Cooper, Z., & Fairburn, C. G. (2002). Clinical perfectionism: Cognitive-behavior analysis. *Behavior Research and Therapy, 40*, 773 – 791.
- Shafran, R., & Mansell, W. (2001). Perfectionism and psychopathology: A review of research and treatment. *Clinical Psychology Review, 21*, 866 -906.
- Stump, H., & Parker, W. D. (2000). A hierarchical structural analysis of perfectionism and its relation to other personality characteristics. *Personality and Individual Differences, 28*, 837-852.